

از یک جنس بودند اما از اجناس مختلفه پس فرمود که میخواهید که
 آن شمار را بنمایم گفتند آری فرمود که ای طاووس فی الحال طاووس
 حاضر شد پس فرمود که ای غراب غراب حاضر شد پس فرمود که ای
 بازای حاضر شد پس فرمود که ای کبوتر کبوتری حاضر شد
 پس فرمود تا همه را بکشند و ریزه ریزه کردند و با یکدیگر آمیختند
 و سرهای ایشانرا نگاه داشتند بعد از آن سر طاووس را برداشتند
 و فرمود که ای طاووس بدم که گوشت و استخوان و پرنمای وی
 از دیگران جداست و بسرو می پسندد و بدن وی رست است
 و زنده گشت و باین سه نوع دیگر همین معامله کردیم زنده شدند
و از آنوقت که شخصی پیش من آمده هزار درهم آورد و گفت من
 حج میروم این را برای من بسرای بجز که چون از حج بازگردم با
 اهل عیال خود اینجا متوطن شوم چون از حج برگردم پیش
 صادق رضی الله عنه اند فرمود که برای تو سرای خریدم و در پیش
 که همه اول آن منتهی بر رسول می شود صلی الله علیه و آله و سلم و نامی بسیار
 و نالت بحسب در آن به حسین رضی الله تعالی عنهم و اینک صلوات الله
 علیهم

چون آن شخص از آنستند گفت رضی شدم باین و شک را بستند
 چون بمنزل خود رسیدند بپار شدند و حیثیت کرد که آن شک را با وی
 در قبر بنهند چون وفات گشت آن شک را با وی در قبر نهادند دیگر روز
 با او دیدند که آن شک بر روی وی و لیست و بر لیست وی نوشته
 که حضرت محمد و قائم بود با آنچه وعده کرده بود **و از آنوقت**
 که شخصی از روی التماس دعا کرد که خدای تعالی ویرا اجزند این چیزی را
 دهد که حج بسیار کند از فرمود که خداوند او را ویرا اجزند این همه که
 بخواهد حج بکند از آن شخص بخواهد حج کند از او در حج بخواهد و یکم
 چون بجزه رسید بخواهد است که غسل کند سبیل بر او در بود و در آن
بگرد و از آنوقت که چون زید را رضی الله عنه کشتند بر
 دار کردند حکم بن عباس کلینی این دو بیت بگفت **شعر**
 هلینا لک زید اعلیٰ صبیح کلمه : و لم ارمیدنا علی الجذع یصلیب
 و قسم بعثمان علیها سفاهتمه : و عثمان بنی من علی و اطیب
 چون این دو بیت بصداق رضی الله عنه رسید دست علی
 برداشت و فرمود که اللهم ان کان عبدک کاذا بافسطط کلک

چون آن شخص از آنستند